خط حاجی امین الله ٩

هو

فسانهای کهن ای آل همه ... کردم
هنگام که ارادت طوایف ما ... حق زدن

منافی رفیق دوستی کافی ولی نعمت مخلص شدم در فکر تنهائی آن اطفال بر دلم بود و داشتم
که ما همه جدا از شبه دنیا همه تنها بودیم و چون گوش روزی که دل ما البته اکثر ... کردم
که در خط همه ما همه و حق آسمانی نازل آمد در وقت افطار دعا کردم در جمیع ...
و امید دارم که ... آمد ارادتم که گذشت که تو را مصرف کردم ... مبارک در ...
و عباس ... در ... ختم ... مزه بخشش گذرد ولی و حق مبارک ... شده ... سیم
ولی ... و عفونت ... در رحمت ... اینهمه گفتار شده ... ام
عرض ... رم دیدم که ... انجا ... رامروم ... حبیبی یافته ام ...
که عباس ... بهتر از ... و ... شائسته ... حمام صحیح
نمیتوانم ما در ادراک ... نوانی ... یا نه ... ای ... گذشت و ...
آن گوارا مهر داشته باشد بسیار خوش خواهد گذشت ... عباس ...
وقت ... اوس را بهتر ... آنهم حاضر است ... زود ... کاری ...
از برکت اهل حرم اهم بخشش ... شهر هم زود ... مهم ... بهر ...
... لذتم بهشت ... اگر خواهی ما ... نه ... ...

امر الله ...